

«نیایش»

ای نام تو بهترین سرآغاز بی نام تو نامه کی کنم باز

واژه های مهم: نامه: در اینجا به معنی کتاب شاعر است.

دانش زبانی: ای: حرف ندا _ خدا منادا (محذوف) / بیت ۳ جمله دارد (۱_ ای خدا (منادا) ۲_ نام تو بهترین سرآغاز است

۳_ بی نام تو نامه کی کنم باز)

منادا: اسمی که مور خطاب قرار می گیرد گاهی همراه حرف ندا (ا_ای_یا) «یا حسین _ حافظا _ ای خدا»، گاهی هم بدون حرف ندا «مریم بیا»، که مریم منادا است.

دانش ادبی: در مصراع دوم از آرایه استفهام انکاری استفاده شده / قافیه: سر آغاز و باز

قافیه: کلماتی که در آخر مصراع ها می آید و در حروف آخر یکسان اند (قافیه برای شعر اجباری است)

ردیف: کلماتی که در آخر مصراع ها بعد از قافیه می آیند و عینا یکسان هستند (ردیف برای شعر اختیاری است

استفهام انکاری: زمانی که شاعر سخنش را به شکل سوال مطرح می کند ولی قصد او دریافت جواب نیست و جواب همیشه منفی است و به عبارتی شاعر یک جمله خبری را به شکل جمله پرسشی مطرح می کند و هدف او تکذیب و انکار است.

مناو مضموم: ای کسی که نام تو بهترین سر آغاز برای شروع هر کاریست من بدون نام تو این کتاب را آغاز نمیکنم.

ای یاد تو مونس روانم جز نام تو نیست بر زبانم

واژه های مهم: مونس: همدم و یار/ روان: جان و روح.

دانش زبانی: ای: حرف ندا / خدایی که: منادا (محذوف) / بیت ۳ جمله دارد

دانش ادبی: روانم و زبانم: قافیه

مناو مضموم: ای خدایی که یاد تو همدم روح و جان من است من فقط نام تو را بر زبان می آورم (فقط تو را یاد می کنم)

ای کارکشای هرچه هستند / نام تو کلید هرچه بستند

واژه های مهم: کارگشا: مشکل گشا، آسان کننده کارها

دانش زبانی: ای: حرف ندا / کارگشا: منادا

دانش ادبی: نام تو مانند کلید است: تشبیه

معنا و مفهوم: ای خدایی که مشکلات را برطرف می کنی نام تو کلید حل تمام مشکلات است

ای هست کن اساس هستی / کوه زردت درازدستی

واژه های مهم: هست کن: بوجود آورنده / اساس: پایه و بنیان / کوه: مخفف کوتاه / درت: درگاه خداوند / درازدستی: ظلم و ستم و زورگویی

دانش زبانی: ای: حرف ندا / هست کن: منادا / فعل است از آخر مصراع دوم حذف شده

دانش ادبی: هستی و درازدستی: قافیه / واج آرایی حرف «س»

واج آرایی: تکرار یک حرف یا یک مصوت در شعر یا نثر که باعث گوش نوازتر شدن موسیقی شعر شود را واج آرایی میگوییم

معنا و مفهوم: ای کسی که تمام هستی را بوجود آورده ای کسی نمی تواند به تو ظلم و ستم کند (یا می توان گفت در درگاه تو به کسی ستم نمی شود)

هم قصه نانموده دانی / هم نامه نانوشته خوانی

واژه های مهم: نانموده: پنهان و نشان داده نشده / نانوشته: نوشته نشده

دانش زبانی: قصه نانموده و نامه نانوشته مفعول

دانش ادبی: دانی و خوانی: قافیه / واج آرایی حرف «ن»

معنا و مفهوم: ای خدایی که هم قصه ها و داستان های پنهان را می دانی و هم از کتاب های نوشته نشده باخبری

هم توبه عنایت الهی آنجا قدم رسان که خواهی

واژه های مهم: عنایت : توجه

دانش زبانی: قدمم : مفعول / رسان : فعل امر

دانش ادبی: الهی و خواهی : قافیه

معنا و مفهوم: خداوندا با لطف و محبت خداوندیت مرا به آنجایی برسان که خودت می پسندی .

از ظلمت خودرایی ام ده بانور خود آشنایم ده

واژه های مهم: ظلمت : تاریکی

دانش ادبی: ظلمت و نور : تضاد / خود در مصراع اول انسان است و در مصراع دوم خداوند است / تکرار واژه خود /

معنا و مفهوم: خدایا مرا از تاریکی های درونم (گناهان) نجات بده و با نور و روشنایی وجود خودت آشنا کن .

«زنک آفرینش»

صبح یک روز نوبهاری بود روزی از روزهای اول سال

دانش زبانی: بیت دو جمله است و در جمله دوم فعل بود حذف شده است .

معنا و مفهوم: صبح یک روز زیبای سال نو بود

بچه ها در کلاس بخجل سبز جمع بودند دور هم خوشحال

دانش زبانی: بیت دو جمله است و در جمله دوم فعل بودند حذف شده است

معنا و مفهوم: بچه های جنگل سبز شاد و خوشحال در کلاس دور هم جمع شده بودند

بچه با گرم گفت و گو بودند باز هم در کلاس غوغا بود

دانش زبانی: بودند : فعل (ماضی)

دانش ادبی: گرم گفتگو بودن : کنایه از مشغول حرف زدن بودن است

معنا و مفهوم: بچه ها مشغول صحبت بودند و دوباره کلاس پر از سرو صدا شد .

هر یکی برگ کوچکی در دست باز انگر زنگ انشاء بود

دانش زبانی: فعل جمله اول (داشتند) حذف شده

معنا و مفهوم: هر یک از آنها برگ کوچکی در دست داشت . انگار دوباره ساعت انشا بود .

تا معلم زگر در راه رسید گفت با چهره ای پرازخنده

دانش زبانی: حرف « ز » در مصراع اول مخفف « از »

دانش ادبی: از گرد راه رسیدن کنایه از وارد شدن است .

معنا و مفهوم: همین که معلم وارد شد با لبخند گفت .

باز موضوع تازه ای داریم "آرزوی شاد آینده"

دانش زبانی: موضوع تازه ای : مفعول

دانش ادبی: بیت پنج و شش باهم موقوف المعانی اند یعنی بیت شش ادامه بیت پنج است و معانی آنها به هم مرتبط است .

معنا و مفهوم: دوباره موضوع انشای تازه ای داریم موضوع جدید این است که آرزوی شما در آینده چیست ؟

شبنم از روی گل برخواست گفت: می خواهم آفتاب شوم

دانش ادبی: آفتاب شدن شب‌نم : کنایه از رشد و تعالی است / برخاستن شب‌نم : آرایه تشخیص یا همان جان بخشی

معنا و مفهوم: شب‌نم (قطره صبحگاهی) از روی برگ گل بلند شد و گفت من دوست دارم مانند آفتاب باشم .

دانه ذره به آسمان بروم ابر باشم، دوباره آب شوم

معنا و مفهوم: کم کم به آسمان بروم و مانند ابری شوم و دوباره به باران تبدیل گردم .

دانه آرام بر زمین غلتید رفت و انشای کوچکش را خواند

دانش ادبی: خواندن انشا به دانه نسبت داده شده : آرایه تشخیص

معنا و مفهوم: دانه به آرامی بر روی زمین غلتید و رفت تا انشای کو تاهش را بخواند

گفت: باغی بزرگ خواهم شد تا ابد سبز خواهم ماند

دانش ادبی: گفتن غنچه : تشخیص

معنا و مفهوم: گفت من باغی بزرگ خواهم شد و برای همیشه تازه و شاداب می مانم

غنچه هم گفت که چه دل تنگم مثل لبخند باز خواهم شد

دانش ادبی: دل تنگ بودن : کنایه از غمگین بودن / گفتن غنچه : تشخیص / مثل لبخند : تشبیه

معنا و مفهوم: غنچه گفت اگر چه هم اکنون غمگینم ولی مثل لبخند شکوفا خواهم شد .

با نسیم بهار و بلبل و باغ کرم راز و نیاز خواهم شد

معنا و مفهوم: با نسیم بهاری و بلبل باغ مشغول گفتگو خواهم شد

بوجه کج‌کج گفت: می خواهم فارغ از سنگ بچم باشم

دانش ادبی: جوجه گنجشک می گوید : تشخیص

دانش زبانی: می خواهم: فعل (مضارع) / جوجه گنجشک : نهاد

معنا و مفهوم: جوجه گنجشک گفت من میخواهم از اذیت و آزار بچه ها در امان باشم .

روی مرشانه جیک جیک کنم در دل آسمان رها باشم

معنا و مفهوم: روی شاخه های درخت مشغول جیک جیک کردن باشم و در دل آسمان رها و آسوده باشم

جوجه ی کوچک پرستو گفت: کاش با بادر، بهار شوم

معنا و مفهوم: جوجه کوچک پرستو گفت ای کاش من هم با باد همراه و هم قدم باشم

دانش ادبی: جوجه گفت : آرایه تشخیص

تا افق های دور کوچ کنم باز پنجم بهار شوم

معنا و مفهوم: تا عمق کرانه های آسمان پرواز کنم و دوباره پیام آور فصل بهار باشم

جوجه های کبوتران گفتند: کاش می شد کنار هم باشیم

دانش زبانی: جمله اول خبری و جمله دوم عاطفی است

معنا و مفهوم: جوجه کبوتر ها گفتند کاش همیشه در کنار همدیگر باشیم و از هم جدا نشویم .

توی گلدسته های یک گنبد روز و شب زائر حرم باشیم

دانش ادبی: روز و شب : تضاد / گلدسته گنبد ، زائر و حرم : مراعات النظیر

معنا و مفهوم: روز و شب داخل گلدسته های مسجد و مکان های مقدس مشغول راز و نیاز (زیارت کردن) باشیم .

زنک تفریح را که زنجره زد باز هم در کلاس غوغا شد

دانش ادبی: زدن زنک تفریح به زنجره نسبت داده شده : تشخیص

دانش زبانی: زنجره : نهاد / زنک تفریح : مفعول / زد : فعل (ماضی)

معنا و مفهوم: همین که زنجره زنک تفریح را زد دوباره کلاس پر از سرو صدا و هیاهو شد .

هریک از بچه ها به سوئی رفت و معلم دوباره تنها شد

معنا و مفهوم: بچه ها هر یک به سوئی رفتند و معلم دوباره تنها شد .

با خودش زیر لب چنین می گفت: آرزوهایتان چه رنگین است

معنا و مفهوم: معلم با خودش زیر لب زمزمه می کرد ، بچه ها چقدر آرزو های شما زیبا است .

نکته: رنگین بودن آرزو به معنی آرزو های گوناگون و زیباست

کاش روزی به کام خود برسید؛ بچه ها آرزوی من این است

دانش زبانی: جمله اول و دوم هر دو عاطفی

دانش ادبی: بچه ها تنها آرزوی من این است که یک روزی همگی به آرزو هایتان برسید .

پیدا

«توفیق ادب»

ای خدای فضل تو حاجت روا با تو یاد هیچ کس نبود روا

معنی و مفهوم: ای خدایی که بخشش تو بر طرف کننده نیاز هاست با وجود تو شایسته نیست نام دیگری را بر زبان بیاوریم (خاوند در همه حال برای بنده اش کافی است)

نکته‌های دستوری: بیت ۴ جمله است. در جمله دوم منادا حذف شده است (ای کسی که) و در جمله سوم فعل (است) حذف شده: فضل تو حاجت روا است.

آرایه ادبی: قافیه: حاجت روا و روا

قطره دانش که بخشیدی ز پیش متصل کردن به دریای خویش

معنی و مفهوم: آن دانش اندکی از سمت خودت به ما دادی را به دریای علم و معرفت بی نهایت خودت متصل کن. (بی نهایتی علم خداوند و محدودیت دانش انسان)

نکته‌های دستوری: قطره دانش: مفعول / این بیت دو جمله دارد در هر دو جمله نهاد (تو) حذف شده است.

آرایه ادبی: قطره دانش: تشبیه (دانش مشبه و قطره «مشبه به») / قطره و دریا: تضاد

صد هزاران دام و دانست ای خدا ما چو مرغان حریصی بی نوا

معنی و مفهوم: ای خدا در مسیر زندگی ما هزاران مشکل مادی وجود دارد و ما مانند پرندگان حریص و بیچاره ای هستیم که گرفتار هواهای نفسانی شده ایم و دچار لغزش و اشتباه می شویم. (دنیای مادی انسان های طمع کار را اسیر می کند)

نکته‌های دستوری: بیت ۳ جمله دارد و در جمله سوم (مصراع دوم) فعل حذف شده است (ما چو مرغان حریصی بی نوا هستیم)

آرایه ادبی: دام ودانه و مرغان «مراعات النظیر / چو: مانند مرغان: تشبیه (ما: مشبیه، چو: ادات تشبیه، مرغان: مشبه به) / بی نوا:

وجه شبه (دام و دانه نماد مشکلات و گرفتاری های دنیایی است / خدا: منادا // صد هزاران دان و دانه: نهاد

گر هزاران دام باشد هر قدم چون تو بامانی نباشد هیچ غم

معنی و مفهوم: خدایا اگر در مسیر زندگی ما هزاران مشکل و گرفتاری وجود داشته باشد با کمک و یاری تو هیچ غمی باقی نمی ماند .

نکته های دستوری: هزاران دام « نهاد / چون در مصراع دوم : ادات تشبیه نیست /

آرایه ادبی: دام نماد گرفتاری و سختی است

از خدا جویم توفیق ادب بی ادب محروم شد از لطف رب

معنی و مفهوم: از خدا می خواهیم در فراگیری ادب به ما کمک کند زیرا انسان بی ادب از عنایت و رحمت خداوند بی بهره است .

نکته های دستوری: بیت دو جمله دارد / توفیق ادب: مفعول / بی ادب « نهاد

آرایه ادبی: رب و ادب : قافیه

بی ادب تنها نه خود را داشت بد بلکه آتش در همه آفاق زد

معنی و مفهوم: انسان بی ادب نه تنها در حق خودش بدی می کند بلکه تمام مردم دنیا هم از دست بدی های او در امان نیستند

نکته های دستوری: بی ادب : نهاد / خود : مفعول / همه آفاق: متمم / بیت دو جمله دارد .

آرایه ادبی: آتش در آفاق زدن کنایه از در رنج و گرفتاری انداختن است .

«بهاری که می رسد از راه»

روشن و گرم و زندگی پر داز آسمان، مثل یک تسم شد

معنی و مفهوم: (با فرا رسیدن بهار) هوا گرم و آسمان روشن شد (ابر ها کنار رفت و آسمان صاف شد) و زندگی دوباره آغاز شد. آسمان لبخند می زند و زندگی دوباره جریان پیدا می کند. (امید به زندگی بازگشت)

آرایه ادبی: تشبیه آسمان به لبخند

هر چه سرما و هر چه دلسردی برزده آهسته از نظر گرم شد

معنی و مفهوم: سرما و تمام آنچه موجب دلسردی و افسردگی می شد به آرامی از بین رفت.

آرایه ادبی: دلسردی کنایه از ناامیدی

بانیمی که زندگی در اوست باز چشم جوانه ای وا شد

معنی و مفهوم: با وزش باد بهاری که همیشه نشاط زندگی را به همراه دارد جوانه ای متولد شد و سر از خاک بیرون آورد

آرایه ادبی: وا شدن چشم جوانه آرایه جان بخشی

بر درختی شکوفه ای خرید در کتابی بهار معنانش

معنی و مفهوم: شکوفه ها بر روی شاخه های درخت جوانه زدند و در کتاب طبیعت برگ تازه ای ورق خورد و بهار آمد.

آرایه ادبی: خندیدن شکوفه: جان بخشی / شکوفه درخت و بهار: مراعات النظیر

نکته دستوری: شکوفه و بهار : نهاد

بهاری که می رسد از راه سبز شو، تازه شو، بهاری شو

معنی و مفهوم: به همراه فصل بهار ، تو هم سر سبز و تازه و شاداب شو و خودت را تغییر بده .

نکته دستوری: بیت چهار جمله دارد که در مصرع دوم سه جمله امری است .

مثل یک شاخه گل، جوانه بزن مثل یک چشمه سار جاری شو

معنی و مفهوم: مانند یک شاخه گل جوانه بزن و مانند یک چشمه ، زندگی را از سر بگیر و در تلاش و حرکت باش .

آرایه ادبی: مثل یک شاخه گل و مثل یک شاخه سار : تشبیه / شاخه گل و جوانه : مراعات النظیر / چشمه سار و جاری : مراعات النظیر

نکته دستوری: فعل های مصراع اول و دوم امری / ضمیر تو : نهاد و محذوف

زندگی بر تومی زنده بخند ، هست وقت شکفتت امروز

معنی و مفهوم: زندگی به تو لبخند می زند و می گوید هم اکنون زمان تلاش و شادی و نشاط است .

آرایه ادبی: زندگی لبخند می زند : تشخیص

بهر از هر چه هست در دنیا با خدا از کفایت امروز

معنی و مفهوم: عبادت و مناجات با خدا بهترین چیزی است که در دنیا وجود دارد .

« علم زندگانی »

کبوتر پچه ای باشوق پرواز به جرئت کرد روزی بال و پر باز

معنی: روزی جوجه کبوتری با اشتیاق به پرواز با شهامت بال و پرش را باز کرد

پید از شاخکی بر شاخساری گذشت از باکی بر جوکناری

معنی: از شاخه کوچکی به شاخه دیگری پرید و از نام کوچکی به کنار جویباری پرواز کرد

نمودش بسکه دور آن راه نزدیک شدش کیتی به پیش چشم تاریک

معنی: از بس که آن راه طولانی به نظرش طولانی آمد جهان در پیش چشمش تاریک شد

آرایه ادبی: دور و نزدیک: تضاد

ز وحشت مست شد بر جای نگاه زنج خستگی درمانده در راه

معنی: ناگهان بخاطر وحشت و ترس بی حال بر جایش ایستاد و از شدت رنج و خستگی از ادامه حرکت باز ماند

فتاد از پای کرد از عجز فریاد ز سارخی مادرش آواز در داد

معنی: درمانده شد و از عجز ناتوانی فریاد کشید، ناگهان مادرش با صدای بلند گفت

آرایه ادبی: فتاد از پای کنایه از ناتوانی

تراوش هنرمیاید اندوخت حدیث زندگی میاید آموخت

معنی: لازم است که تو تجربه اندوزی کنی و راه و رسم زندگی کردن را یاد بگیری.

آرایه ادبی: توش هنر : تشبیه (هنر مانند توشه است)

ترا پرواز بس زود دست و دوشوار ز نوکاران که خواهد کار بسیار

معنی: پرواز برای تو بسیار زود و سخت است و کسی از افراد بی تجربه و تازه کار انتظار کارهای بزرگ ندارد.

هنوزت نیست پای برزن و بام هنوزت نوبت خواب است و آرام

معنی: تو توانایی رفتن به کوجه و پریدن بر روی بام را نداری و الان زمان استراحت کردن تو است

بیاید هر دو پا محکم نهادن از آن پس، فکر برپای ایستادن

معنی: باید اول بتوانی هر دو پایت را محکم و استوار بر روی زمین بگذاری و بعد از آن به فکر ایستادن باشی.

من اینجا چون نگهبانم و تو چون گنج ترا آسودگی باید مرا ننج

معنی: من در اینجا همانند نگهبان هستم و تو چون گنجی با ارزش می باشی، تو باید آسوده و راحت باشی و من باید رنج محافظت

تو را تحمل کنم.

آرایه ادبی: دو آرایه تشبیه من چون نگهبان و تو چون گنج هستی / نگهبان و گنج مراعات النظیر / آسودگی و رنج : تضاد

مراد و اما بسیار بستند ز بالم کودکان پرها شکستند

معنی: من در دام های بسیاری گرفتار شدم و کودکان، پرها و بال هایم را شکستند (رنج و سختی زیادی را تحمل کردم و تجربه اندوختم)

که از دیوار سنگ آمد که از درم کم سر پنجه خونین شد کمی سر

معنی: گاهی از بالای دیوار و گاهی از در خانه به من سنگ می زدند و مرا زخمی می کردند

آرایه های ادبی: در و دیوار « مراعات النظیر / سر پنجه و سر : مراعات النظیر

نکشت آسایشم یک خطه مساز کمی از گربه ترسیدم، که از باز

معنی: من لحظه ای در زندگی، در آسایش به سر نبردم. زمانی از گربه و گاهی از باز ترسیدم.

بجوم قنیه های آسمانی مرا آموخت علم زندگانی

معنی: بلاها و مشکلات روزگار، علم زندگی کردن را به من یاد داد.

نکرد شاخک بی بن برومند ز تو سعی و عمل باید زمین پند

معنی: شاخه کوچکی که بدون ریشه باشد، میوه نمی دهد؛ (رشد نمی کند) بنابراین تو باید سعی و تلاش کنی، من هم باید به تو پند و

اندرز بدهم.